

گورستان شغاب با استخواندانه‌های سفالی و سنگی مدفون در آن یکی از آثار ارزشمند شهرستان بوشهر محسوب می‌شود، این گورستان در کنار دریا و بر ساحلی که هر روز آفتاب چون تشطی از آتش بر آن فرو می‌ریزد واقع شده است، شاید همین گرما یکی از عوامل نگهدارنده آن در طول اعصار و قرون باشد. در این گورستان استخوان انسانی که پاسدار خاک و شرف بخشی از ایران بوده‌اند به یادگار مانده است، اگر چه اکنون خاک گورستان توسط افرادی ناآگاه با آب دریا در هم آمیخته می‌شود تا ملاحظه ساختمانهای مسکونی قریه شغاب گردد.

گورستان شغاب

عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخواندان

دکتر سید علی اصغر میرفتاح

شده‌اند. (نقشه شماره ۴). گورستان شغاب در جایی که دریا سر بر ساحل می‌کوبد واقع شده و از سطح دریا چندان ارتفاعی ندارد به طوری که هنگام مد بخشی از آن را آب فرامی‌گیرد. آب و هوای آن همانند آب و هوای شهرستان بوشهر به واسطه کمی ارتفاع و نزدیکی به خط استوا گرمسیر است. دارای هوای گرم و مرطوب و در معرض بادهای گرم و سوزان می‌باشد و فقط پنج ماه از سال معتدل است. درجه حرارت آن در تابستان بعضاً به ۵۰ درجه بالای صفر و در زمستان تا یک درجه زیر صفر می‌رسد. رطوبت هوا در مرداد و شهریور (زمان تهیه مقاله) ظهرها بیش از ۴۰ و شبها از ۸۰ درجه به بالا می‌باشد. فشار هوا تقریباً در

● **موقعیت جغرافیائی گورستان شغاب** ———
شهرستان بوشهر که حکم شبه جزیره‌ای را دارد (نقشه شماره ۱) از سه قسمت تشکیل شده (نقشه شماره ۲). قسمت نخست شامل بافت متراکم شهر بوشهر (نقشه شماره ۳) است. قسمت دوم که در جنوب بخش نخست واقع شده است و از دو قسمت دیگر بزرگتر است اختصاص به مناطق نظامی (نیروی هوایی و دریائی) دارد. آخرین قسمت شامل قرائی می‌شود که اکنون جزء محدوده شهرستان بوشهر در آمده و زیر پوشش استحقاقی شهربانی شهرستان می‌باشد. از جمله این قراء می‌توان قراء شغاب و جلالی را نام برد که در شمال اراضی گورستان شغاب واقع

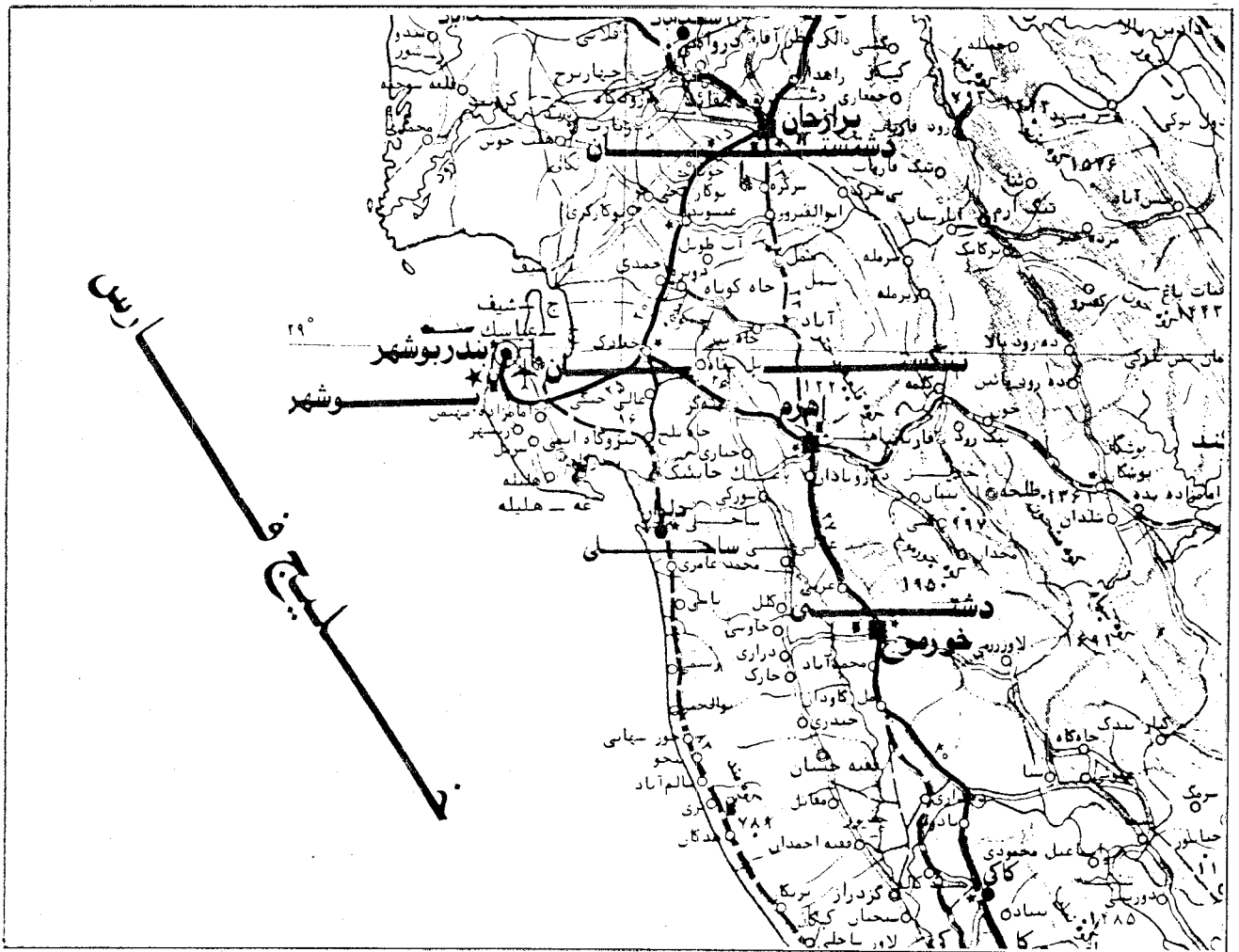
حدود ۷۶ سانتیمتر جیوه است.

که «شغاب» می‌باید معنی دیگری به جز استنباط سطحی «شغ - آب» داشته باشد. ارتباط کلمه شغاب با کلمه «شغا» به معنی جعبه تیردان و تیرکش شاید آن چیزی باشد که مورد خواست راقم قرار می‌گیرد، زیرا اگر بتوان ثابت نمود که قبرستان شغاب یک قبرستان اشکانی است آن وقت این نام پیوند با بهترین خصلت جنگاوران پارتی که همانا تیراندازی آنها می‌بوده پیدا می‌کند، و در این صورت این کلمه قدمت خویش را در شناسنامه تاریخی خود که به پیش از میلاد می‌رسد خواهد یافت.

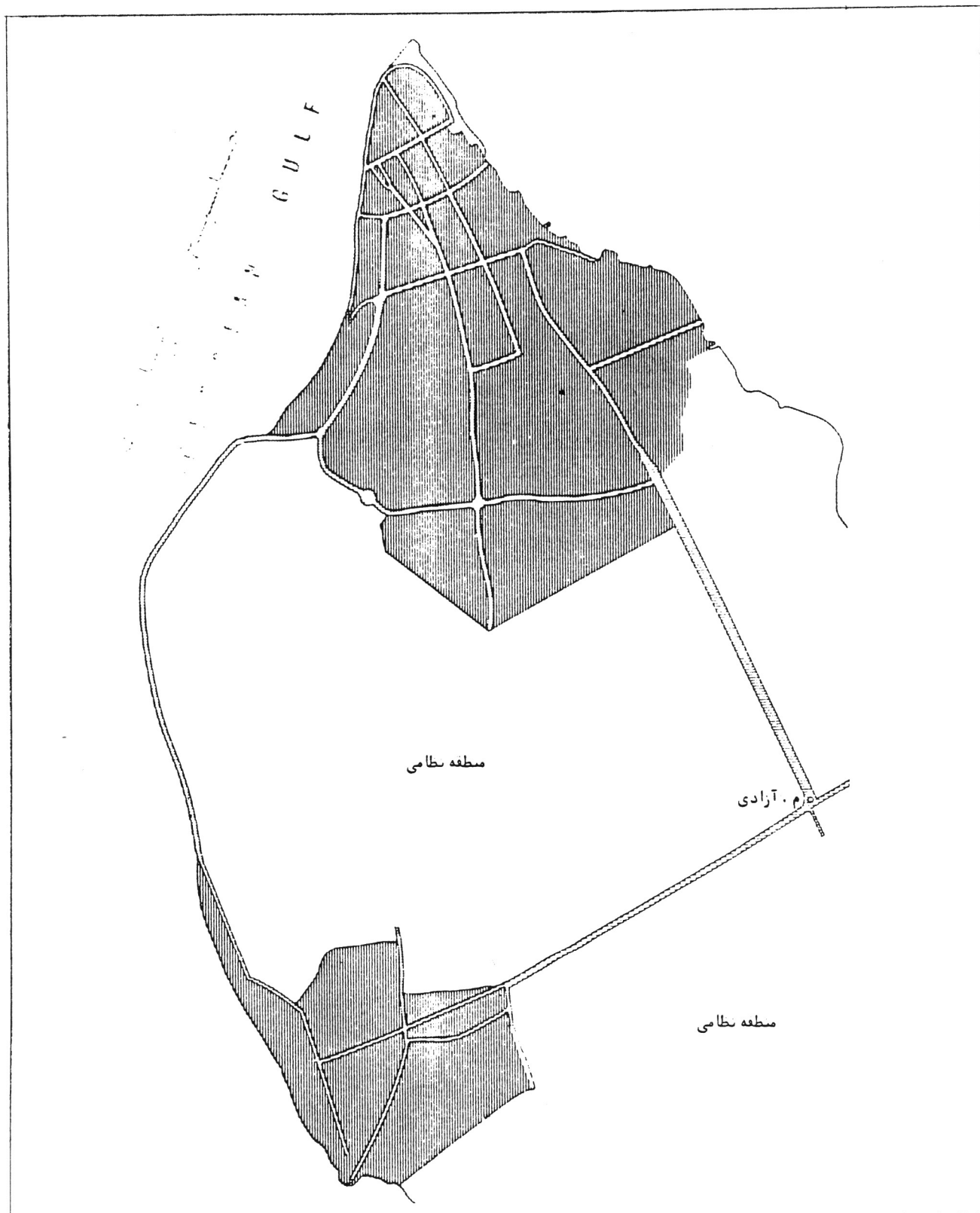
در فرهنگ لغات مختلف شغاب در املاء با «ق» جمع شغب است و چون به معنی مفاکی میان دو کوه یا

● وجه تسمیه شغاب

در بادی امر ذهن انسان با دیدن کلمه شغاب به این امر متبادر می‌شود که شغاب به معنی پاره پاره شدن آب در جایی باشد. یعنی کلمه شغاب را به صورت دو جزء «شغ - آب» مورد بررسی قرار دهیم شبیه تکاب، بناب، میاندو آب و... با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیائی شهرستان بوشهر و نبودن جریان آب دائمی که نهایتاً به مکان گورستان «شغاب» کشیده شود و در اینجا (شعاب) پس از پراکنده شدن با مجراهای متفاوت به دریا بریزد به این اصل می‌رسیم



نقشه شماره ۱ - موقعیت جغرافیائی بندر بوشهر



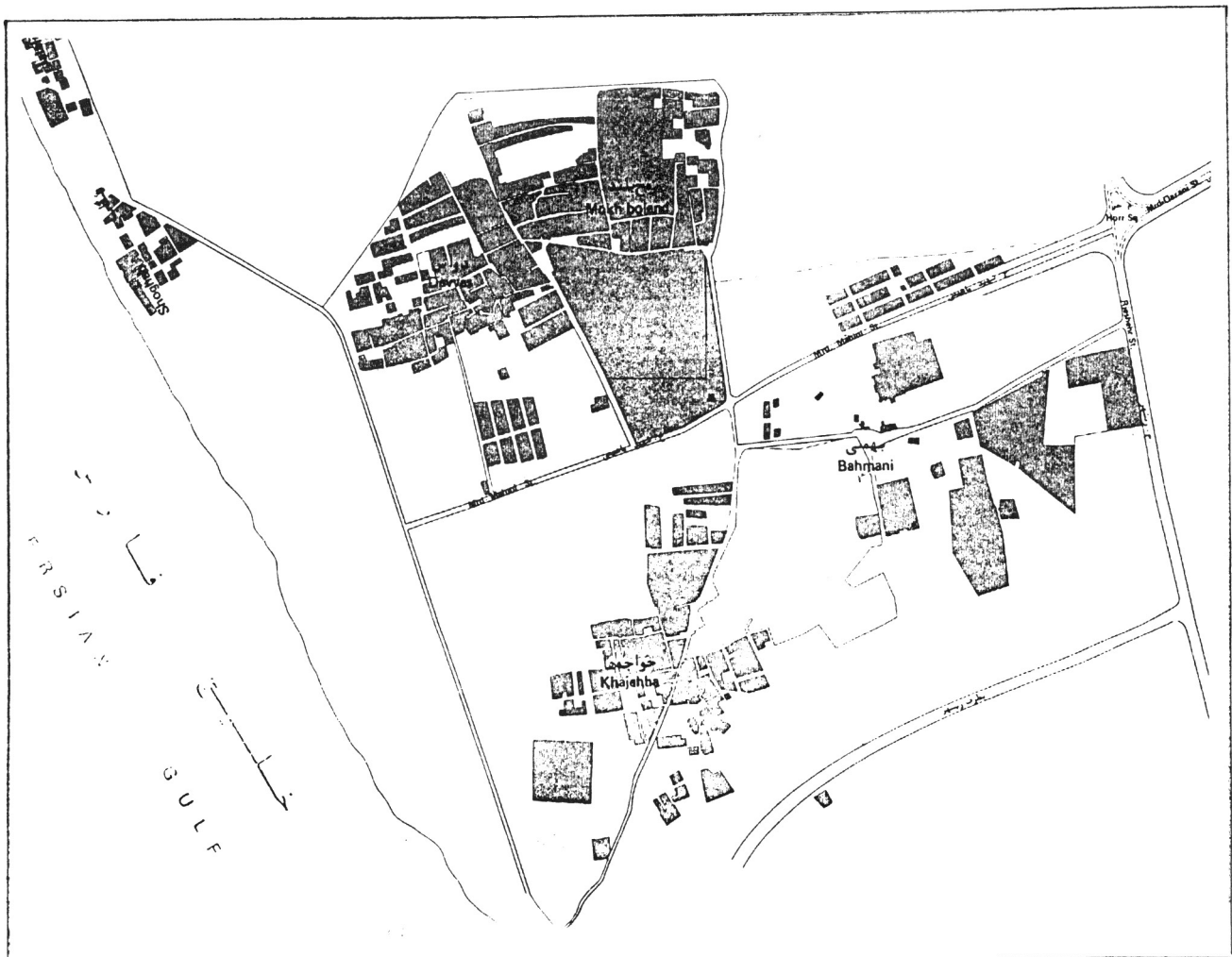
نقشه شماره ۲ - محدوده شهرستان بوشهر

شکاف کوه یا تنگ جای از اودیه که مرغان در آن آشیانه گیرند (آندراج) در نظر گرفته شود اصولاً هیچ ربطی با موقعیت طبیعی گورستان شغاب پیدا نخواهد کرد، زیرا که این گورستان زمینی در کنار دریاست و هیچ گونه کوهی در مجاورت آن نیست. مگر آنکه در افق شرق و یا جنوب در جستجوی آن بود.

در فرهنگ لغت ناظم الاطباء، منتهی الارب، آندراج و دهخدا «شغاب» که اسم فاعل لغت شغب عربی است به صورت یک لغت واحد در نظر گرفته شده و به معنی فتنه‌انگیز، مرد فتنه‌انگیز و فتان آورده شده است. اگر این کلمه را در قالب معنی «فتنه‌انگیز» مورد بررسی قرار دهیم

حداقل برداشت این خواهد بود که فتنه‌ای بزرگ از این مکان برخاسته است و به لحاظ آن فتنه نام شغاب بر مکان باقی مانده است. در صورت قبول این فرض می‌باید فتنه بزرگی بین قریه شغاب و جلالی که اکنون در نتیجه گسترش به هم پیوسته‌اند اتفاق افتاده باشد. اگر با یک‌یک افراد بالغ این دو قریه راجع به درگیریهای آنها سؤال شود کشمکش‌های زیادی را تعریف خواهند کرد.

اما کلمه «شغا» به معنی مختلف شدن دندانهای کسی در بلندی و کوتاهی و خروج و دخول ناهمواری بر آمدن دندان - کم و بیش شدن دندانها در طول و عرض - پس و پیش و بلندی و کوتاهی دندانها (دهخدا) شاید بتواند



نقشه شماره ۴ - نقشه موقعیت قریه شغاب

در مورد وجه تسمیه «شغاب» ما را یاری نماید.

کلمه «شغابه» بنوئی دیگر یادآور معنی کلمه «شغ» است. این کلمه را (شغابه) دهخدا به معنی «شتری که راه رفتن آن راست نباشد و کج روی کند» ضبط نموده است. با توجه به معنی لغوی شغا و شغابه که هر دو ناصاف بودن را مجسم می‌سازند و با در نظر گرفتن سطح ناهموار اراضی گورستان شغاب می‌توان کلمه شغاب را به معنی زمین ناهموار قبول کرد. البته ناهمواری مورد نظر ما ناهمواری طبیعی زمینهای ساحل شغاب که گورستان شغاب بخشی از آن را تشکیل می‌دهد می‌باشد نه ناهمواریهای مصنوعی. این ناهمواریهای طبیعی را می‌توان در طول ساحل خلیج فارس پس از پشت سر گذاشتن موقعیت فعلی شهرستان بوشهر به وضوح دید، اگر چه صورت پیوسته در یک خط طولی را ندارند.



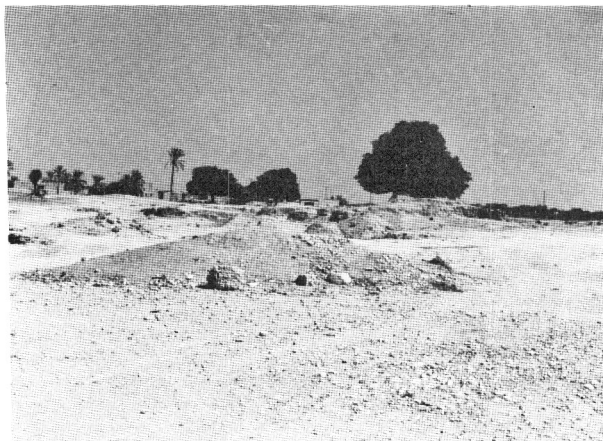
تصویر شماره ۲- برخی از پشته‌های کم ارتفاع محوطه باستانی شغاب

گورستان در آمده‌اند. (تصویر شماره ۲ و ۳ و ۴) و ارتفاع کم آنها باعث شده که گورستان سطحی به نظر برسد. ادامه این پشته‌ها تا کنار دریا موجب گردیده که شغاب فاقد یک ساحل ماسه‌ای با شیب ملایم باشد. تقریباً در مجاورت دریا بخش گودی در وسعت قابل ملاحظه وجود دارد که بنا به گفته معمرین قریه شغاب در نتیجه خاکبرداری به منظور استفاده خاک جهت ایجاد واحدهای مسکونی قریه پدید آمده است. این محوطه به فرم طولی و دارای جهت شمال -

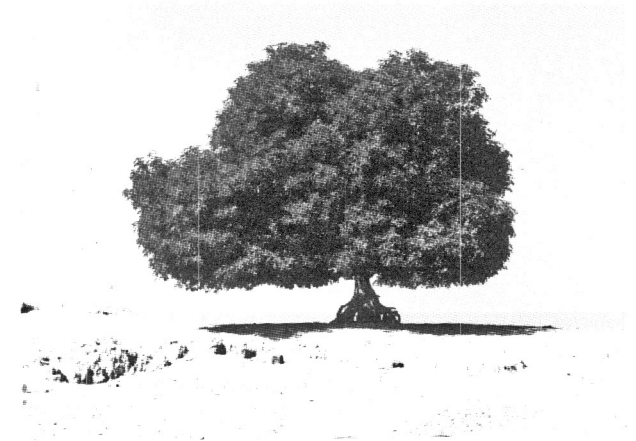
● وضعیت فعلی گورستان شغاب

محوطه گورستان شغاب شامل پشته‌های کم ارتفاعی است که تالاب دریا جابجا کشیده شده‌اند این پشته‌ها هر چه به قریه شغاب نزدیکتر می‌شوند بیشتر قابل رؤیت هستند. (تصویر شماره ۱)

همین پشته‌های کم ارتفاع هستند که به صورت



تصویر شماره ۳- برخی از پشته‌های کم ارتفاع محوطه باستانی شغاب



تصویر شماره ۱- نمونه‌ای از پشته‌های گورستان شغاب به طرف قریه

طرف پادگان نیروی هوایی ادامه پیدا می کنند. بخشی از پشته‌های گورستان شغاب (تقریباً در ناحیه غربی گورستان) بنابر اظهار مسئول سازمان میراث فرهنگی استان بوشهر (در سال ۱۳۶۲) و همچنین سرپرست اداره کل ارشاد اسلامی بوشهر (در سال ۱۳۶۹) توسط شهرداری به منظور ایجاد فضای سبز یا پارک تخریب شده است. نتیجه این خاکبرداری غیر مسئولانه مضطرب شدن آثار باستانی و از بین رفتن بخش وسیعی از قبرستان می باشد. قطعات سفال که حاصل تخریب مذکور است در سطح مضطرب شده به وفور قابل رؤیت است (تصویر شماره ۹).

این قطعات سفال همراه با قطعات استخوان انسانی منظره نامطلوبی را پدید آورده اند. خاکهای حاصل از تخریب شهرداری در محلی که قبلاً توسط اهالی به منظور استخراج سنگ در سنوات گذشته (سنگهای رسوبی لوماشل و مارن پدید آمده از اجتماع صدفهای دو کفه‌ای) خاکبرداری شده بود تخلیه گردیده است. بیشتر سنگهای استخراج شده جهت ساختن قریه شغاب و جلالی مورد استفاده قرار گرفته است. نزدیکی این دو قریه به ترتیبی است که هیچ تازه واردی نمی تواند مرز جدا کننده بین آنها را پیدا کند. فقط از گفته اهالی می توان خط جدا کننده این دو قریه را که یک جاده شوسه بوده و به طرف اسکله سنگی نو



تصویر شماره ۴ - برخی از پشته‌های کم ارتفاع محوطه باستانی شغاب

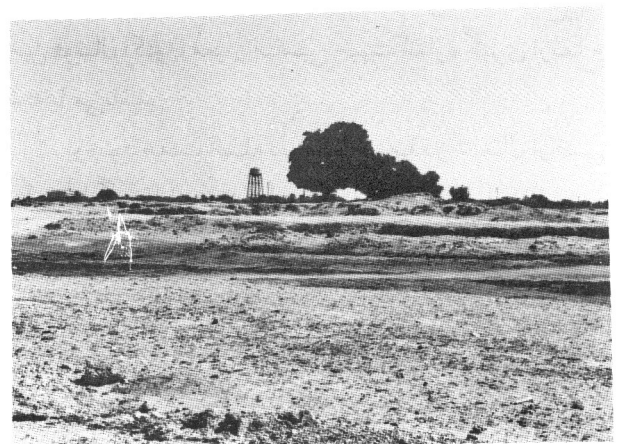
جنوب می باشد. (تصاویر ۵ و ۶) حد فاصل این گودال تالاب دریا پشته‌های کوتاه شغاب قدیم باقی مانده است. نفوذ آب دریا به داخل این گودال محیط نامساعدی را به وجود آورده است. (تصاویر ۷ و ۸)

عدم دقت در ماهیت وجودی این گودال باعث اظهار نظرهای مختلفی گشته. منجمله اظهار نظر شده است که این محوطه خندق جلوی گورستان است.

پس از این پشته‌ها زمینهای صاف قرار دارند که به



تصویر ۶ - جنبه غربی محوطه گود



تصویر ۵ - جنبه شرقی محوطه گود



تصویر شماره ۹ بخشی از سفالهای بیرون آمده از گورستان شغاب



تصویر شماره ۷ گودال بزرگ گورستان که در آن آب دریا نفوذ می‌کند

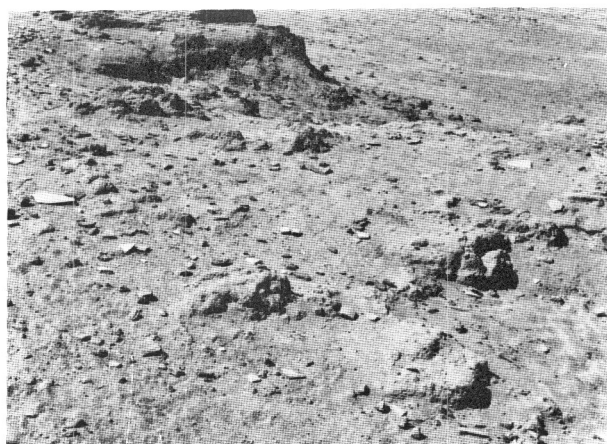
است (نقشه شماره ۵ و تصویر شماره ۱۳) تا از نفوذ آب دریا در زمان مد به داخل اراضی گورستان و نهایتاً گودال طولی مذکور جلوگیری به عمل آید. در آخرین حد این دیوار به طرف جنوب و تقریباً چسبیده به آن کانالی سیمانی سرپوشیده‌ای که فاضلاب پادگان نیروی دریائی را به خلیج فارس هدایت می‌کند دیده می‌شود (نقشه شماره ۵ و تصویر شماره ۱۴) مسیر این کانال که بخشی از اراضی گورستان را تخریب کرده از کنار دریا می‌گذرد.

از دیگر اقدامات تخریبی انجام شده در اراضی این گورستان ایجاد زمین فوتبال به نام «جاشو» در شرق اراضی و تقریباً در مجاورت خیابان اسفالتنه ساحلی است سطح این زمین فوتبال اکنون معیار مناسبی جهت اندازه گیری ارتفاع پشته‌ها می‌باشد.

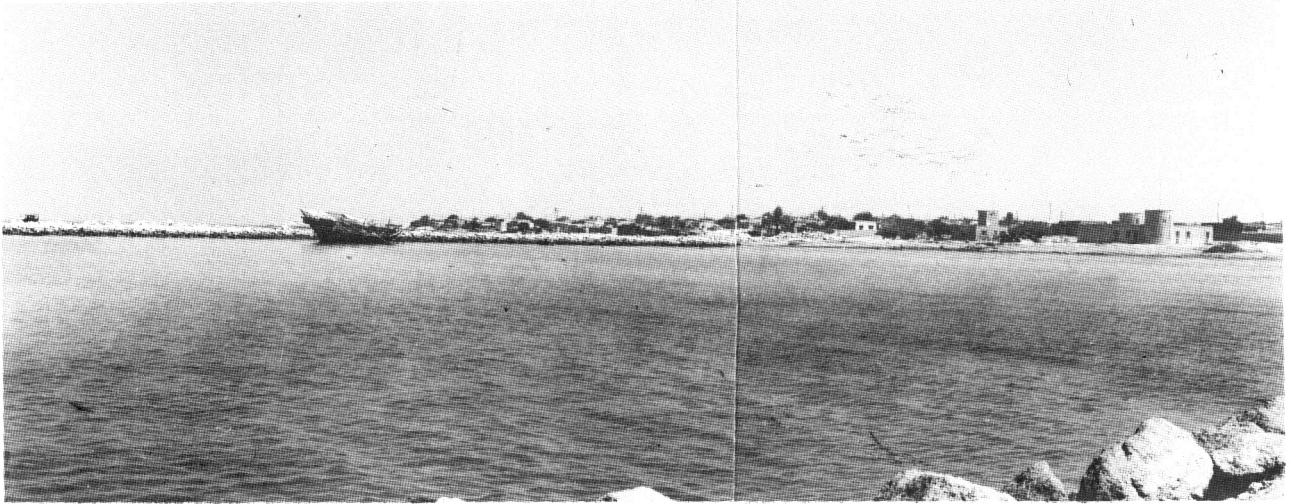
وجود هفت اصله درخت خرما در شمال اراضی شغاب بیانگر بقایای نخلستانی از گذشته در این ناحیه است. تقریباً در شمال محوطه شغاب کنونی ساختمان ساده و بی پیرایه‌ای بنام امامزاده سید کنار در فرم چهار ضلعی با گنبدی کم خیز با مصالح سنگ و گچ که سایه درخت کناری را به سر کشیده است دیده می‌شود (نقشه شماره ۵ و تصویر شماره ۱۵) سایه این کنار و چند کنار دیگر و همچنین چند درخت ابریشم روئیده بر سینه گورستان

(تصویر شماره ۱۰) و کهنه (تصویر شماره ۱۲-۱۱) کشیده می‌شود فهمید، در کنار این جاده که از پهناى نسبتاً گسترده‌ای برخوردار است پاسگاه مرزی جلالی واقع است. با توجه به اینکه این قریه در حدود ۴۰ واحد مسکونی دارد اهمیت نفس کشیدن آن بیشتر قابل لمس است.

در طول ساحل و در جبهه غربی گورستان و در جلوی آخرین حد پشته‌های طبیعی اکنون دیوار سیمانی کم ارتفاعی از طرف استانداری یا شهرداری بوشهر کشیده شده



تصویر شماره ۸ لجن به وجود آمده در بخشی از گودال بزرگ



تصویر شماره ۱۰ اسکله جدید جلالی و شغاب

در اینجا بنای امامزاده به نوعی کمبودهای فیزیکی درخت کنار در مقابل درخت چنار را پر می‌کند. شاید یادآوری این نکته ضروری به نظر برسد، که در بعضی از محوطه‌های باستانی به سنگ و درختی که حالت تقدس پیدا کرده‌اند برخورد می‌شود. (احترام به برد و دار). علی‌ایحال این امامزاده و کنار مجاور آن یک تحقیق مرد شناسی را طلب می‌کند.



تصویر شماره ۱۱ اسکله قدیم و بخشی از پشته‌های گورستان شغاب که تا زیر واحدهای مسکونی قریه شغاب کشیده شده است

شغاب تنها مکانهایی هستند که انسان خسته و تشنه و مصیبت کشیده از گرمای آفتاب را پناه می‌دهند، اگر چه در گرمای تابستان کمتر کسی با گورستان شغاب کاری دارد تا از گرمای حاکم بر آن به رنج بنشیند. تنها گوسفندانی که از خانه اهالی قریه شغاب به بیرون رانده شده‌اند به زیر سایه این درختان پناه می‌برند. و این زبان بسته‌ها نه تنها بر زمین خشک و تشنه بر ساحل نشستگورستان شغاب آبی برای رفع تشنگی پیدا نمی‌کنند بلکه علفی هم به چشم نمی‌بینند تا از آن سد جوع نمایند.

درخت کناری که نام خود را به امامزاده بخشیده در جنوب بنای مذکور واقع شده است ساختمان امامزاده تقریباً متناسب با ارتفاع شاخ و برگهای درخت کنار در نظر گرفته شده، به طریقی که سایه درخت بهتر بر روی آن بنشیند. ورودی امامزاده به سمت شرق است. این امامزاده و حسینیه شهید رسول شغانی و مسجد قائم (نقشه شماره ۵) که دو بنای اخیر با فاصله کمی در شمال شرقی امامزاده واقع شده‌اند مجموعه مذهبی قریه شغاب را تشکیل می‌دهند. شاید کنار مجاور امامزاده سید کنار یادآور حرمت چنار امامزاده یحیی و یا هفت چنار بریانک تهران و دیگر درختان مقدسی که ریشه در اعتقاد و باورهای سنتی ایران دارند باشد.



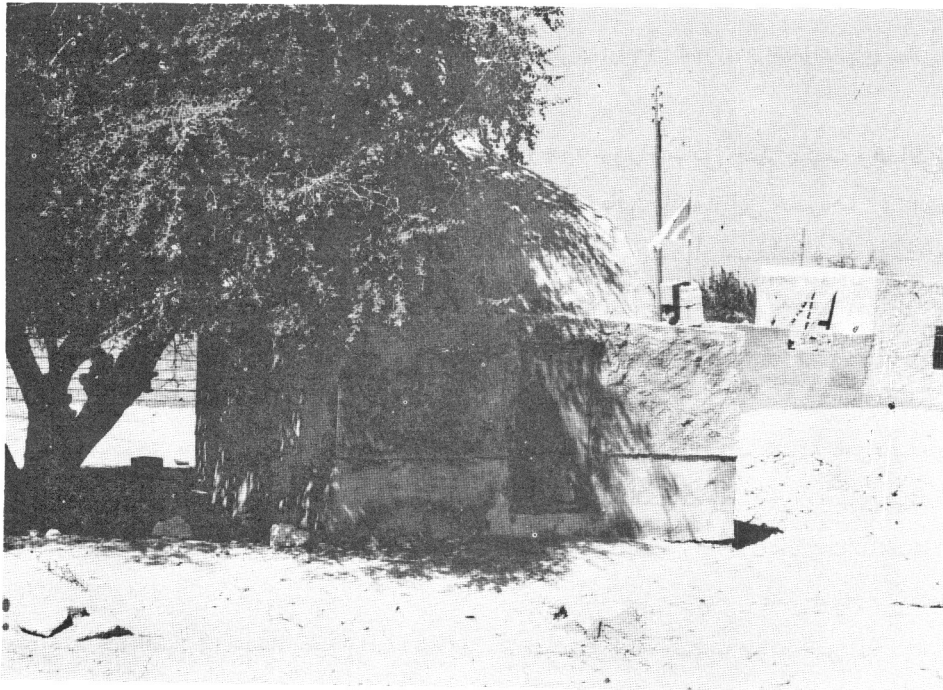
تصویر شماره ۱۲ لنج‌های پهلو گرفته در اسکله قدیم



تصویر شماره ۱۳ - دیوار سیمانی کشیده شده
بین ساحل خلیج فارس و محوطه گورستان



تصویر شماره ۱۴- کانال سرپوشیده فاضلاب



تصویر شماره ۱۵- امامزاده سید کنار

● استخواندانه‌های گورستان شغاب



تصویر شماره ۱۶- نمونه‌ای از استخواندانه‌های سفالی در مقیاس باقدانسان

وجود سوراخهائی چند جهت وصالی در بدنه بعضی از قطعات باقی مانده از این خمره‌ها و استخواندانه‌ها) نشان می‌دهد که قبل از استفاده ترک داشته و یا اینکه حداقل خمره بدو قسمت جدا شده بود. شاید بتوان از این موضوع نتیجه گرفت که این استخواندانه‌های سفالی جزو کالاهای وارداتی منطقه محسوب می‌شده‌اند. بدیهی است در صوت محلی بودن سفال و با توجه به رعایت ایزوله کردن داخل آن‌ها عدم استفاده از استخواندانه‌های صدمه دیده منطقی‌تر به نظر می‌رسد. زیرا در صورت ساخت این کالا در محل مطمئناً صاحبان مرده ترجیح می‌داده‌اند که خمره‌های سالم‌تری را جهت مرده خود در نظر بگیرند. در این گورستان به سفالهای دیگری هم برخورد می‌شود. نوعاً این سفالها در طبقه سفالهائی قرار می‌گیرند که استفاده روزمره

گورستان شغاب شامل استخواندانه‌های سفالی و سنگی است که در داخل پشته‌های شن و ماسه تا سطح سنگ صدفی (سنگ رسوبی منطقه) به امانت گذاشته شده‌اند. استخواندانه‌های سفالی خمره‌هائی هستند که تقریباً قطر دهانه آنها ۱۴ سانتیمتر و ارتفاع آنها ۸۷ سانتیمتر و ضخامت آنها به طور متوسط ۱/۵ سانت است. پایه آنها نوک تیز بوده و از محل شروع تا انتها ۱۸ سانتیمتر طول دارند و قطر کف این پایه‌ها در انتها ۳ سانتیمتر می‌باشد (تصویر شماره ۱۶-۱۷) بخشی از این پایه در برخی از خمره‌ها توپر بوده و در بعضی خمره‌ها میان تهی است. در حالت دوم استخواندان در تمام ابعاد بزرگتر از نوع اول بوده و حجیم‌تر ساخته شده است. (تصویر شماره ۱۸)، اضافه شدن حجم تأثیر زیادی در فرم استوانه‌ای استخواندانه‌ها به وجود نیاورده است. شاید منطقی نباشد که اختلاف گنجایش حجم خمره‌های بزرگ را در ارتباط با استخوان افراد تنومند مرتبط سازیم. قبول ساخت خمره‌ها در کارگاههای متفاوت می‌تواند موجب این اختلافات در اندازه استخواندانه‌های سفارش شده باشد ولی می‌توان گفت که در اصل اندازه‌هائی مورد قبول بوده است. اندازه‌های رعایت شده تابع چند اصل می‌باشد یکی از این اصول ارتفاع پشته‌های شن و ماسه تا سطح سنگ صدفی اراضی گورستان شغاب است، زیرا این پشته‌ها به سهولت قابل خاکبرداری هستند. رعایت اندازه ارتفاع این پشته‌ها سهولت تدفین را موجب می‌شده است. خلاصه اینکه اگر در اندازه استخواندانه‌ها استاندارد ملحوظ نشده اختلاف فاحشی هم دیده نمی‌شود. کیفیت این استخواندانه‌ها از هر لحاظ (گل - نظم در فرم) فاقد مرغوبیت چشمگیر است. رنگ نخودی بیرون آن با مغز سفال هماهنگی کامل دارد، یعنی مغز آن کر بنیزه نشده است. سطح بیرونی سفال دارای لعاب گلی است (آب گل Slip). این استخواندانه‌های سفالی فاقد گردن می‌باشند. بر روی برخی از این خمره‌ها چند خط افقی کم عمق وجود دارد که تنها تزئین آن‌ها به شمار می‌رود. این شیارها عمدتاً در ناحیه فوقانی ظرف به وجود آمده‌اند.

۱۳۶۹ توسط مستخدم اداره بهزیستی بوشهر جهت تحقیقات در دانشگاه همدان با گچ پوشیده شده‌اند. شاید با مطالعه در محتویات ظرف کوچک بتوان نوع مصرف آن را در گورستان شغاب مشخص نمود.

در داخل استخواندانه‌های سفالی به منظور عدم نفوذ نمک و مآلاً جهت جلوگیری از نفوذ آب دریا که موجب پوسیدگی استخوان می‌شود با قیر طبیعی (زفت) اندود شده است (تصویر شماره ۱۷ - ۱۸) معمولاً استخوانها بدون نظم در فرم بدن در داخل خمره‌ها قرار داده شده‌اند ولی جمجمه تقریباً در ناحیه دهانه ظروف قرار داده شده است. محتملاً در انجام این امر از یک دستور مذهبی تبعیت شده است (در سال ۵۳ در بازدیدی که از محل احداث مجموعه مسکونی شهربانی داشتیم باین مورد برخوردیم) به طور کلی آنچه از این نوع استخواندانه‌ها استنباط می‌شود عبارت از:

۱- اعتقاد به عدم تدفین میت بلافاصله پس از مرگ و مآلاً نیالودن زمین

۲- اعتقاد به حفظ استخوان میت و مواظبت از آن برای آینده

بدیهی است که جهت برآورده شدن این دو نیت مراسم خاصی اجرا شده است. فقدان مدارک لازم در این خصوص نفی فرض فوق نمی‌تواند باشد. زیرا در تمام ادیان از قدیمترین دوره تاکنون قبل از به خاک سپاری میت مراسم ویژه‌ای اجرا می‌شده و می‌شود. اما در شیوه اعتقادی گورستان شغاب مراسم در دو مرحله یکی قبل و هنگام قرار دادن جسد در فضای آزاد و مرحله دوم پس از جمع‌آوری استخوان و قرار دادن آن در استخواندان و سپس به خاک سپاری خمره می‌باشد.

در منطقه شوش، بابل و در حفاری گلالک شهرستان شوشتر در سالهای اخیر توسط آقای رهبر شبیه خمره‌های تدفین گورستان شغاب اما با کمی اختلاف یافت شده است. گریشمن در کتاب ایران از آغاز تا اسلام در مبحث «شهرسازی، معماری، هنر» پارتیان می‌گوید: «همان گونه که امروز نزدیک قبرستانها امتعه فروشدگان آثار مربوط به اموات و اشیاء مقدس گسترده



تصویر شماره ۱۷- آثار قیراندود در داخل استخواندان سفالی

دارند (تصویر شماره ۱۹ و ۲۰). قطر کف تخت این سفالها در حدود ۸ سانتیمتر می‌باشد (تصویر شماره ۱۹) بعضی از آنها دارای دو دسته بوده و شیارهای موجود بر روی بدنه پاره‌ای از آنها به شیوه شیارهای خمره‌های تدفین (استخواندان) می‌باشد (تصویر شماره ۱۹). با توجه به عدم مدارک لازم که دلیل بر مسکونی بودن بخشی از گورستان شغاب باشد می‌توان اظهار نظر نمود که این کوزه‌ها بنوعی در تدفین مرده استفاده شده‌اند.

اما بچه منظور؟ این موضوعی است که حفاری علمی گورستان به آن جواب خواهد داد. یک نمونه از این ظروف بانضمام یک استخواندان سفالی اکنون در میراث فرهنگی استان بوشهر موجود است (تصویر شماره ۲۰ و ۲۱) که دهانه آنها بنا بر اظهار سرپرست میراث مذکور در سال



تصویر شماره ۱۹ - انواع دیگری از سفالهای مکشوفه در گورستان شغاب

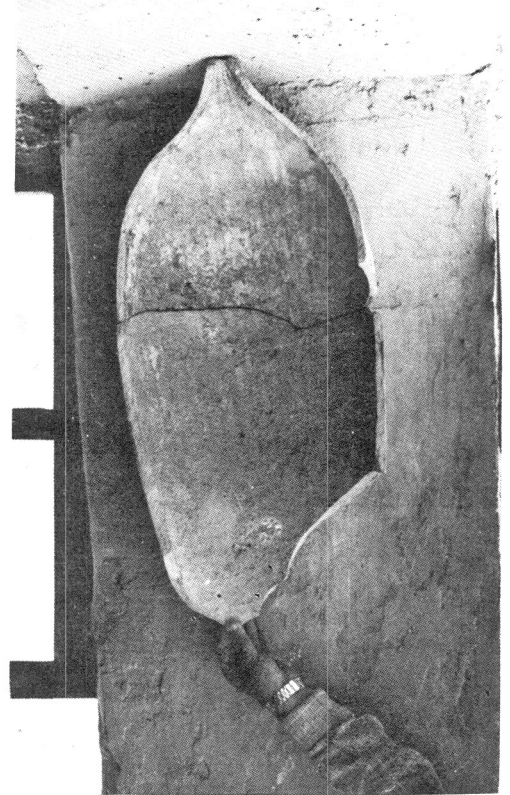
شبهات کاملی را مجسم می‌سازند. همین فرم سفال را مالکوم کالج در کتاب «پارتیان» در شکل ۱۷ از صفحه ۷۹ ارائه داده است.^۲ (شکل شماره ۲) وجوه اختلاف طرح ظروف ارائه شده توسط مالکوم کالج با خمره‌های گورستان شغاب مشابه اختلاف خمره‌های مذکور با طرح خمره‌های میت ارائه شده توسط گریشمن است.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به مذهب یسنی در دوره پارتیان شود اگر چه هرگز در آن دوره به صورت مذهبی رسمی تجلی ننموده است. بر مبنای آئین اعتقادی زردشتیان و دستور صریح خرده اوستا، مرده بر اساس مراسمی در هوای آزاد قرار گرفته و پس از مدتی استخوانها را در استخوان دان یا «استودان» قرار می‌داده‌اند. از ادله مهمی که

۱- ر. گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و

نشر کتاب تهران ۱۳۳۶ ص ۲۸۲

۲- مالکوم کالج، پارتیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۵۵ ص ۷۹.



تصویر شماره ۱۸ - استخواندان سفالی از نوع حجیم‌تر با آثار قیراندود

است، در عهد پارتیان نیز، نزدیک گورستان و در خارج دیوارهایی که شهر را محاصره می‌کرد، کارگاههای کوزه گران و سازندگان مجسمه‌های سفالین قرار داشت. ما چند عدد از آنها را در شوش تشخیص داده‌ایم. این هنرمندان برای اشخاص بالغ تابوت و برای کودکان خمره میت می‌ساختند و نیز به دست آنان ظروف و جامهای سفالین - که به رنگ آبی یا خاکستری لعاب داده می‌شد برای استعمال در زندگی خانوادگی، و یا برای نهادن در مقابر مانند (قمقمه و آبخوری زوار ساخته می‌شد)^۱ اختلافی که در خمره ارائه شده در شکل ۸۴ از صفحه ۲۸۲ کتاب مذکور (شکل شماره ۱) با خمره‌های گورستان شغاب به چشم می‌خورد در ناحیه گردن خمره‌ها و وجود دو دسته در خمره‌های شوش است. از این اختلاف که بگذریم فرم خمره‌های گورستان شغاب و خمره‌های مکشوفه از شوش و مخصوصاً قسمت نوک تیز کف و همچنین شیارهای روی بدنه آنها



تصویر شماره ۲۱- یکی از خمره‌های گورستان شغاب که دهانه آن با گچ پوشانده شده است.

«در پایان قرن اول یا در آغاز قرن دوم مسیحی، تغییری نسبتاً مهم در عملیات تدفین سکنه شوش پدید آمد. مقابر افراد و دخمه‌های خانوادگی جای خود را به گورستان مشترکی داد که پلکان اطاق اموات و سقف آن از آجر نیک پخته ساخته می‌شد. جسد میت را روی نیمکتی در برابر مدخل می‌گذاشتند تا کاملاً پوسیده گردد، سپس استخوانهای وی را بی ترتیب روی دو نیمکت مجاور در سمت راست و چپ مدخل می‌نهادند. این طرز جدید دفن اموات، بدون شک با طرز تدفین مغان شمال ایران - که مستلزم عرضه داشت اجساد در هوای آزاد، روی کوهها یا «برج خاموشی» بود و جوه اشتراکی دارد». گریشمن در جهت توضیح این نوع جدید به خاک سپاری میت در قرن

۱- نامه تنسر به گشنب به تصحیح مجتبی مینوی مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران چاپ دوم ۱۳۵۷ ص ۷ دیاچه



تصویر شماره ۲۰- یکی از ظروفی که دهانه آن با گچ پوشانده شده است.

در اثبات رونق مذهب مزد ایسنا در زمان پارتیان نقش عمده‌ای دارد دستور بلاش اول به جمع آوری اوستا و دیگر کتب در این زمینه است. همین مجموعه گردآوری شده بعداً مورد توجه اردشیر بابکان قرار می‌گیرد. در کتاب چهارم دینکرت آمده:

«وَلَخَش (بلاش اول) اشکانی فرمود اوستا وزند همچنانکه به ویژگی اندر آورده شده است و هم آموختنیها (کتب ادب) هر چه گزند و آشفته‌کاری (خرابکاری) الکساندرو (!؟ گروه غارتگر؟) رومیان اندر ایرانشهر به پراکندگی بر نوشته (!؟ به هر زبان؟) درحفاظت دستور مانده است همچنانکه اندر شهر فراز آمده است نگاه داشتن و به شهرها یادگار کردن آن شاهنشاه اردشیر پایکان به راست دستوری (به اجازه صحیح یا: صدارت مستقیم) تنسر هم آن آموختنیها (- ادبیات دینی) پراکنده همه را به درگاه (= پایتخت) خواست. تنسر بر آمد، آن یک فراز پذیرفته شد و دیگر دستوران هشته. هم این فرمان داده شده که (!؟ هر آنچه از دین مزد ایسنی) است فرایش ما باشد، چه اکنون آگاهی و دانش او را فرود (= کمتر) نیست؟!»

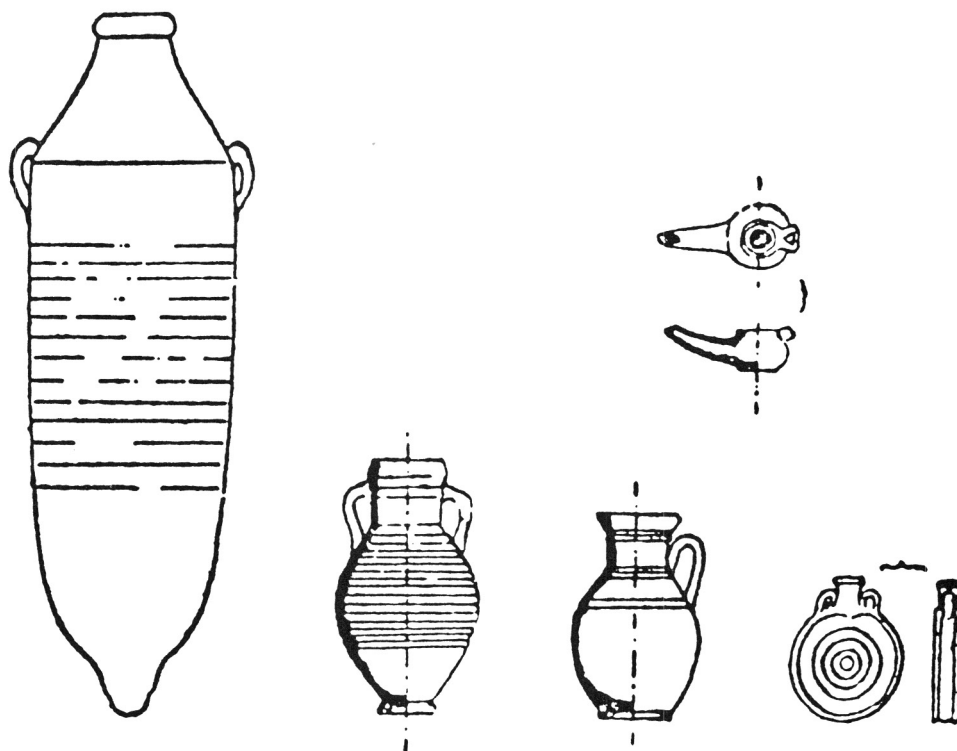
در گورستان شغاب مشابهت در نوع اعتقاد به وضوح مشخص می‌گردد. از طرفی شباهت ظروف این گورستان با سفال میت مکشوفه از شوش و سفالهای یافته شده از بابل که استفاده معمولی (کوزه‌های شراب و روغن) داشته‌اند یک نوع مقایسه تاریخی را می‌توان عرضه نمود. شبیه استخواندانه‌های سفالی این گورستان در زمان احداث خانه‌های سازمانی فرهنگیان در اراضی باغ زهرا که در گوشه جنوب شرقی بافت شهری شهرستان بوشهر و در مجاورت پادگان نظامی قرار دارد و همچنین در مناطق بن مانع Behmanee جفره Jofre و میدان معراج واقع در محدوده شهری شهرستان بوشهر دیده شده است. (نقشه شماره ۴) نقاط بن مانع، جفره و معراج تقریباً در راستای

دوم میلادی که می‌باید نتیجه تغییرات بنیادی در شیوه اعتقاد پارتیان در قرن دوم میلادی باشد اظهار عقیده نموده که، «به عقیده ما، طرز تدفین شوش، درجه ایست از انتقال بین عرضه داشت در هوای آزاد و دفن. در اینجا این سؤال حقیقاً پیش می‌آید که آیا با جلوس شعبه زنان سلسله اشکانی از اردوان سوم - شعبه‌ای که در ماد آذربایگان سلطنت می‌کرد. آنجا که معبد «شیز» و مرکز مغان بود - طرق تدفین که نزد این مغان معمول بوده، در میان سکنه جنوب ایران نفوذ نکرده است، و آیا در آغاز این نفوذ به صورت نوعی مبادله بین دو طریق تدفین، در نیامده است؟» (در اینجا جهت روشن شدن بیشتر موضوع لازم به یاد آوری است که) در نسا استخوان دانه‌های سفالین که بیشتر لعابدار نیستند و با دست قالب گیری شده‌اند پیدا شده در سغد هم از دورانهای اخیر پارتی از اینگونه استخواندانه‌ها یافته‌اند)»^۳ (تصویر شماره ۲۲) با توجه به مدارک مذکور از طرز تدفین میت (عرضه داشت در هوای آزاد و دفن) و مقایسه آنها با تدفین

۱- ر. گریشمن - ایران از آغاز تا اسلام - ص ۲۷۱

۲- ر. گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام..... ص ۲۷۲ - ۲۷۱

۳- مالکوم کالج، پارتیان..... ص ۹۶



ش ۱- شوش: ظروف سفالین عهد پارتی

عهد شوتروک ناخونته پیدا شده^۱) (تصویر شماره ۲۴) نزدیکی این مکان به گورستان شغاب موجب شده است که در سنوات اخیر گورستان به صورت یک گورستان ایلامی معرفی شود. ولی با عنایت به مطالب فوق بعید به نظر می‌رسد که گورستان ایلامی باشد. اما در صورت تحقق این معرفی که مستلزم انجام یک تحقیق همه جانبه در ریشهر قدیم است موجب می‌شود تا موضوع عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخواندان و مآلاً عرضه داشت در هوای آزاد و نگهداری در استخواندان «که یکی از مهمترین مبانی

اعتقادی مذهب مزدیسنی باشد ریشه‌ای کهن پیدا کند.

استخواندانهای سنگی - نوع سنگی استخواندانهای مکشوفه از این گورستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این استخواندانها از نوع سنگهای رسوبی نرم؟ و در فرم

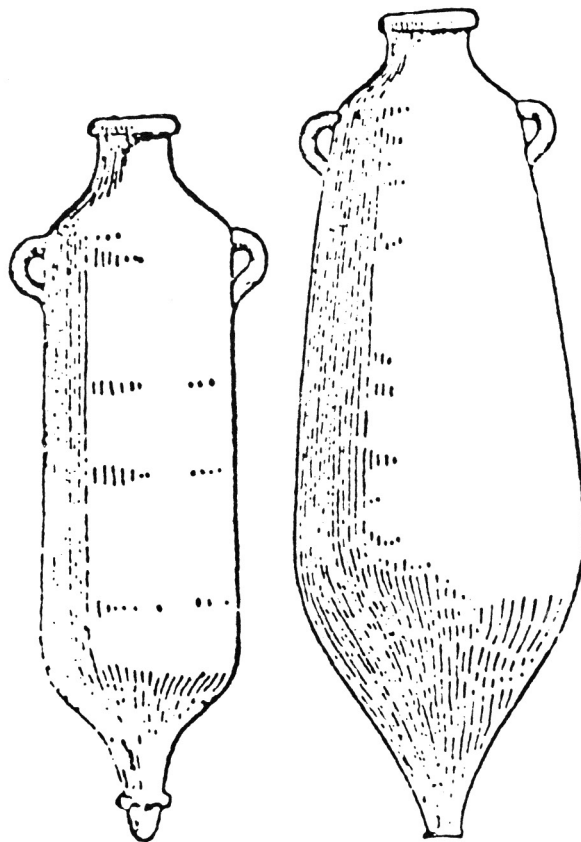
۱- لوتی واند نبرگ باستان شناس ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام،

انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸ ص ۵۳.

گورستان شغاب می‌باشند. احتمال داده می‌شود در زمینهای واقع بین میدان معراج و گورستان شغاب که اکنون در اختیار نیروی هوایی است بخشهایی به این گونه گورستان اختصاص داده شده باشد. با در نظر گرفتن اظهارات فوق و همچنین عدم اطلاع از دوره پارتی شهرستان بوشهر یک سؤال بدون جواب در مقابل ما قرار می‌گیرد، که محل اسکان صاحبان این گورستان کجا بوده است. پذیرفتن تعلق گورستانهای مذکور به قبیله و یا قومی کوچ نشین از دوره پارتی اندکی مشکل است.

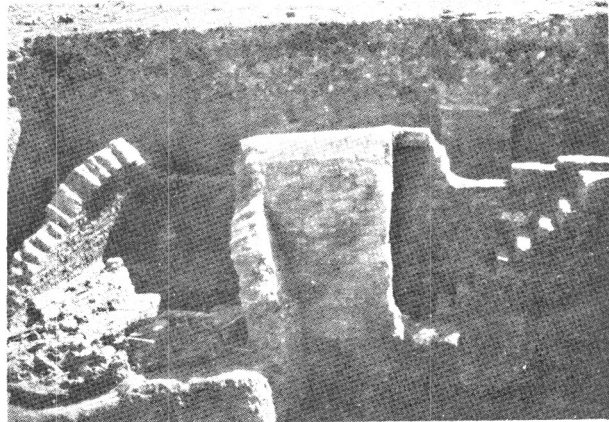
یادآوری این نکته شاید ضروری باشد که نزدیکترین مکان باستانی به این گورستان شهر قدیم ایلامی لیان Liyan واقع در محدوده ریشهر (ریوارد شیر) ساسانی است، (تصویر ۲۳) که توسط م. وژپزار Met G. Pexard در سال ۱۹۱۳ (۱۲۹۲ شمسی) مورد کاوش قرار گرفته است.

«در این محل سفالهای رنگین از عهد «کالکولتیک و عهد» «برنز قدیم» و ساختمانهای آجری با کتیبه‌های



شکل ۲- سفالینه‌های معمولی دوران هلنیستی و اوایل پارتی پیدا شده در بابل. کوزه‌های شراب و روغن به اندازه در حدود ۱/۱۵ طبیعی.

(تصویر شماره ۲۷). با توجه به این اندازه می‌توان گفت که ارتفاع ۲۵ تا ۳۰ سانت اندازه مطلوبی برای این استخواندانه‌ها با در نظر گرفتن حجم مجموعه استخوانهای یک میت می‌باشد. در تمام سطوح استخواندانه‌های سنگی اثرات قلم سنگ تراش به وضوح قابل رؤیت است. عدم توجه به پرداخت و یکنواخت نمودن سطوح داخلی و خارجی این استخواندانه‌ها شاید ناشی از شیوه اعتقادی صاحبان آن سرچشمه می‌گرفته است. نوع سنگ انتخاب شده به راحتی قابل پرداخت بوده و لذا سنگ تراش از این بابت مشکلی نداشته است. لبه صاف دهانه این استخواندانه‌ها از یک طرف و



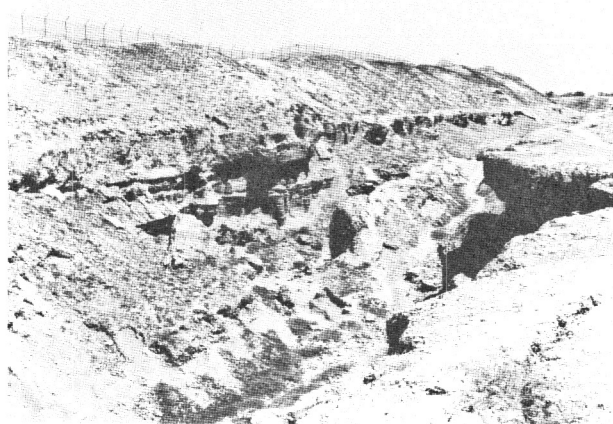
تصویر شماره ۲۲ - شوش قبر پارتی (گورستان عمومی)



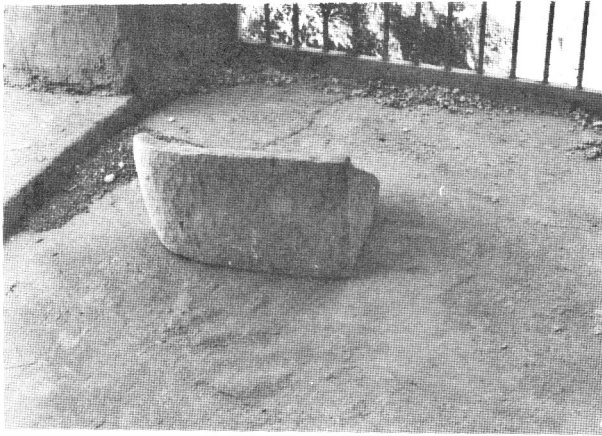
تصویر شماره ۲۴ - آجر نبشته ایلامی به نام شوتروک ناخونته مکشوفه از ریشهر، ۳۱ سانتیمتر و عرض ۹ سانتیمتر پهناى یک سطر خط میخی آجر یک سانتیمتر و نیم (تصویر از کتاب اقلیم پارس ص ۴۵۹)

اعتقاد به «عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخواندان» (= حفظ استخوان) از طرف دیگر وجوب درپوشی را الزامی می‌سازد. متأسفانه به علت عدم مدارک لازم، از نوع درپوش آن اطلاعی در دست نیست. لازم به یاد آوری است که فرم این استخواندانه‌ها تابوت برنزی ایلامی مکشوفه از ارجان که مربوط به نیمه اول هزاره اول می‌باشد یکنوع مشابهت را نشان می‌دهد. ولی مقایسه زمانی آنها با یکدیگر و مآلاً نتیجه گیری به منظور همزمانی با توجه به مطالب عرضه شده در رابطه با «عرضه داشت در هوای آزاد

قایم‌های ماهیگیری کنده شده‌اند، جلوی آنها دارای انحنائی شبیه انحنای جلوی قایق‌ها بوده و پشت آنها صاف می‌باشد. بلندترین اندازه آنها متابعت از استخوانهای طویل بدن انسان می‌نماید. ابعاد یک نمونه از آن که در میراث فرهنگی استان بوشهر نگهداری می‌شود، به طول ۵۰ و عرض ۳۷ و ارتفاع ۲۵ سانتیمتر است. (تصویر ۲۵ و ۲۶). ضخامت سطوح مختلف این استخواندان به طور متوسط در حدود ۲/۵ سانتیمتر می‌باشد. با کسر این ضخامت اندازه داخل آن ۴۵ × ۳۲ × ۲۲/۵ سانت است. بخشی از یک استخواندان سنگی دیگر ارتفاعی در حدود ۲۹ سانتیمتر را نشان می‌دهد



تصویر شماره ۲۳ - بخشی از حصار قلعه ریشهر و خندق کنار آن



تصویر شماره ۲۶ - استخوانان سنگی از پهلوی

شمال واحدهای مسکونی شهربانی که اکنون در پشت قرارگاه مذکور واقع شده می‌رسیده است (محدوده واحدهای مسکونی شهربانی بر روی بخشی از گورستان شغاب قرار دارد). حد شرقی گورستان جاده آسفالتی ساحلی است که از کنار محوطه نیروی هوایی کشیده شده است (نقشه شماره ۵) و حد غربی را خلیج فارس تشکیل می‌دهد. (تصویر شماره ۲۹)

و دفن به شیوه استخوانان» دور از ذهن است. علی‌ایحال حفاری این گورستان روشنگر نکات بسیار مهمی خواهد شد، از جمله: انتساب دقیق آن به دوره پارسی و یا دوره‌ای دیگر. با قبول پارسی بودن گورستان شغاب این فکر پیش می‌آید که کدام یک از دو شیوه دفن به صورت استخوانان مقدم بر یکدیگر هستند؟ در صورت اثبات نوعی ارتباط تکنیکی بین استخوانانهای سنگی شغاب با استخوانهای ساسانی (استخوانان) که در سینه کوه کنده شده‌اند و اکثراً انتهای آنها دارای فرمی قوس دار می‌باشند. استخوانانهای سنگی شغاب متأخر تر از استخوانانهای سفالی معرفی



تصویر شماره ۲۵ - استخوانان سنگی

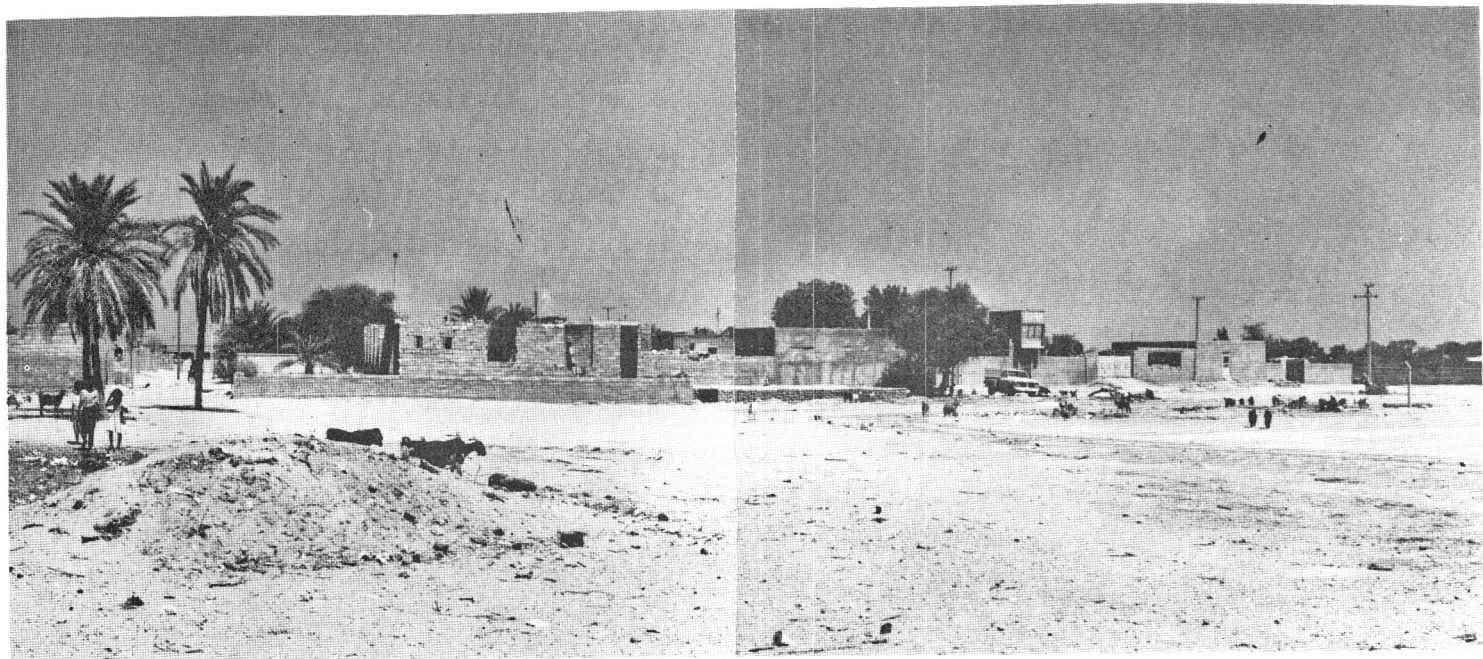
می‌شوند و اگر تاریخی را که گریشمن برای شیوه «عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخوانان» شوش پیشنهاد نموده مبنا قرار دهیم هر دو شیوه به قرن دوم میلادی تعلق پیدا می‌کنند.

محدوده فعلی گورستان شغاب (= حریم گورستان شغاب)

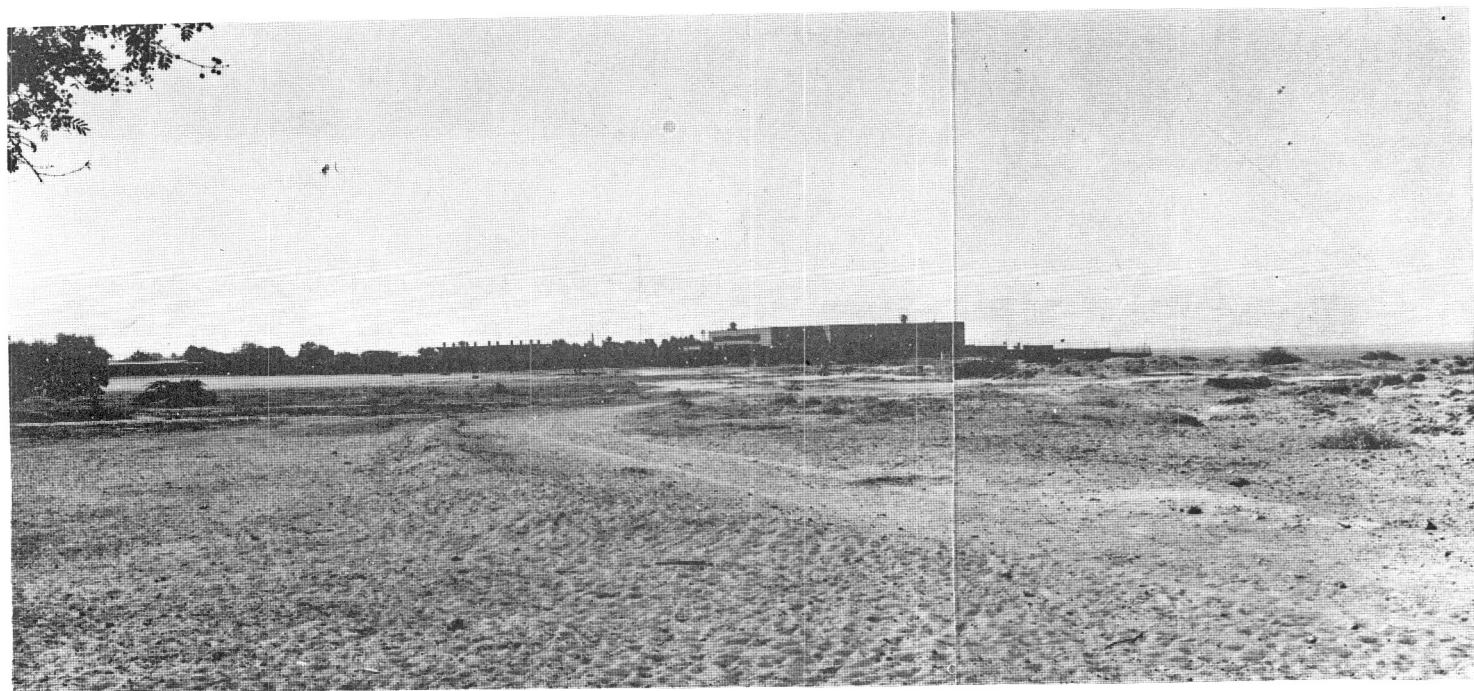
محدوده شمالی گورستان شغاب توسط تعدادی از ۴۰ واحد مسکونی قریه شغاب مشخص می‌گردد (نقشه شماره ۵ تصویر شماره ۲۸) حد جنوبی آن به شمال قرارگاه سپاه پاسداران می‌رسد. در گذشته (سال ۱۳۵۳) این حد به



تصویر شماره ۲۷ - استخوانهای مکشوفه از قبرستان



تصویر شماره ۲۸ - محدوده شمالی گورستان شغاب



تصویر شماره ۲۹ - حد جنوبی گورستان شغاب - قرارگاه سپاه پاسداران

